

بررسی تأثیر وزن بر قالب و مبانی فکری با مقایسه اوزان قصاید ناصر خسرو و غزلیات سعدی

مالک شاعی^۱

الهام جوانی^۲

چکیده

وزن، برجسته‌ترین عنصر شعر و نقطه‌ی اشتراک شاعران است. در حقیقت وزن، طبیعت و ذات شعر است و برخی چنان شیفته وزن‌اند که شعر را بدون آن تصور نمی‌کنند. به منظور بررسی تأثیر وزن بر محتوا و قالب، این پژوهش به مقایسه‌ی اوزان قصاید ناصر خسرو و غزلیات سعدی پرداخته است. در غزلیات سعدی ۱۷ و مجموع اوزان مختص ناصر خسرو ۶ وزن است از آن‌جا که تعداد غزلیات می‌شود. مجموع اوزان اختصاصی سعدی ۱۷ و مجموع اوزان مختص ناصر خسرو ۶ وزن است از آن‌جا که تعداد غزلیات سعدی بیش از ۲٫۵ برابر قصاید ناصر خسرو است رعایت نسبت (۲٫۶۳) غزلیات سعدی به قصاید ناصر خسرو در اوزان اختصاصی هر دو شاعر دیده می‌شود. چنین استنباط می‌گردد تأثیر وزن و قالب بر مبانی تعلیمی و فلسفی غزل و قصیده ناچیز است و حتی می‌توان علی‌رغم ظرفیت وزن در شعر، ارتباطی بسیار ضعیف بین وزن با قالب قصیده و غزل، همچنین وزن با محتوای غزل و قصیده یافت. بهره‌گیری کم‌تر یا بیش‌تر از هر وزن را با توجه به عوامل متنوعی که ممکن است بر این رفتار مؤثر باشد، باید تحلیل کرد.

کلیدواژه‌ها: غزلیات سعدی، قصاید ناصر خسرو، وزن، قالب و محتوا.

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول)

malek_sh73@yahoo.com
elhamjavani15@jmail.com

۲- دبیر زبان و ادبیات فارسی مقطع متوسطه، شهرستان ساوه، اراک، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

۱. مقدمه

عوامل مختلفی از قبیل: سبک فردی، زمان، مکان و ... در انتخاب وزن مؤثر است که مهم‌ترین آن‌ها تناسب وزن با محتواست. بسیاری از پژوهندگان معتقدند وزن باید با درون‌مایه‌ی شعر همخوانی داشته باشد و از وزن برخی منظومه‌ها ایراد می‌گیرند. بدین منظور این پژوهش بر آن است اوزان به کار رفته در دو گونه‌ی شعری متفاوت، از دو شاعر صاحب سبک را با تفاوت فکری و ساختار در دو منظومه دیوان ناصر خسرو و غزلیات سعدی مقایسه نماید. جنبه‌ی مجهول این تحقیق بیان میزان اوزان مشترک این دو شاعر است تا با تحلیل آن‌ها میزان تأثیر وزن بر محتوا تشریح گردد.

چنان که پیداست سعدی یکی از برجسته‌ترین شاعران قالب غزل است و بسیاری از اندیشه‌ها، باورها، عقاید و احساسات خود را در قالب غزل بیان کرده است و عواطف درونی خود را، صاف و صمیمی با خوانندگان در میان می‌گذارد. غزل‌های سعدی، حاکی از سوز و گداز او در عشق است.

کسان عیب کنندم که عاشقی همه عمر کدام عیب که سعدی خود این هنر دارد

(سعدی، ۱۳۷۵: ۱۴۵)

اما در سوی دیگر این تحقیق، ناصر خسرو وجود دارد که با غزل و محتوای غزل تعارض دارد او

بارها بر غزل تاخته است:

چند گفتمی و بر رباب زدی **غزل** دعد بر صفات رباب

بس کن از قصه‌ی رباب کنونک زرد و نالان شدی چو رود رباب

(ناصر خسرو، ۱۳۷۱: ۹۵)

یا

غزال و **غزل** هر دوان مر تو را نجویم غزال و نگویم **غزل**

(ناصر خسرو، ۱۳۷۱: ۳۴۵)

او غزل را منافی حکمت و روش خود می‌داند:

بر حکمت میری زچه یابید چو از حرص فتنه‌ی **غزل** و عاشق مدح امرائید؟

(ناصر خسرو، ۱۳۷۱: ۱۶۲)

فخر چه داری به **غزل**‌های نغز در صفت روی بست سعتری؟

(ناصر خسرو، ۱۳۷۱: ۳۸۰)

بررسی تأثیر وزن بر قالب و مبانی فکری... ۱۵۹۱۱۱

لذا با بررسی و بیان اوزان و بحرهای مشترک این دو شاعر و میزان اشتراکات آنان در بحرهای عروضی که تقریباً قالب و محتوایی مابین یکدیگر دارند، می‌توان به تأثیر وزن بر محتوا و قالب در شعر فارسی تا حد زیادی پی برد و این نتیجه را به کل ادبیات تعمیم داد.

۱-۱. مبانی نظری تحقیق

بسیاری از عروض دانان معتقد به هماهنگی وزن و محتوا هستند و بر این باورند «شعر راستین چون از دل شاعر می‌جوشد، بی‌دخال و آگاهی او، وزن مناسب و طبیعی خود را می‌یابد؛ اما آن‌جا که شاعر مضمون می‌سازد و وزن انتخاب می‌کند، ممکن است در انتخاب وزن مناسب، دچار خطا نیز بشود» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۶۲).

مبانی نظری این پژوهش مقایسه‌ی غزلیات سعدی و قصاید ناصر خسرو است (که از لحاظ محتوا تقریباً در عرض هم‌اند) تلاش می‌کند تا دریابد وزن، محتوا و قالب - در قالب غزل و قصیده - چه ارتباطی با همدیگر دارند.

۲. اشتراکات و افتراقات دو شاعر

هر دو شاعر در کنار شاعری به نویسندگی نیز شهرت داشته به نحوی که ارزش آثار منشور این دو شاعر کم‌تر از آثار منظوم‌شان نیست. این دو، زبان فصیح و بیان معجزه‌آسای خود را تنها وقف مدح و یا بیان احساسات عاشقانه و امثال این مطالب نکرده بلکه بیش‌تر اشعار آنان به خدمت ابناء نوع و سعادت آدمی‌زادگان گماشته شده موعظه‌ی آنان برای راهنمایی گمراهان به راه راست، به کار رفته در این امر از همه‌ی شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان موفق‌تر و کام‌یاب‌تر بودند. هر دو سنی‌مذهب و دوست‌دار علی و خاندانش بوده‌اند. حتی گویند ناصر خسرو پیش از گرایش به فاطمیه، سنی بوده است. سعدی و ناصر خسرو به دربار شاهان زمان خویش دست یافته به جایگاهی نیز رسیده‌اند؛ ناصر خسرو به مراتب عالی از قبیل دبیری رسیده در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشته عنوان "ادیب" و "دبیر فاضل" گرفته شاه وی را "خواجگی خطیر" خطاب می‌کرده است.

هر دو شاعر اهل سفرهای طولانی‌اند ناصر خسرو در چهل و سه سالگی سفر هفت ساله آغاز کرد و مصر و ترکستان و سند و هند و ... گذرانید و سعدی از سال ۶۲۱ تا ۶۵۵ به تصریح تاریخ ادبیات صفاء، از حجاز و شام و لبنان و روم و ... عبور کرد. در سفر هر دو زیارت خانه‌ی خدا دیده می‌شود؛ سعدی ۱۴ بار و ناصر خسرو ۴ بار؛ لذا دو شاعر جهان‌دیده و گرم و سرد روزگار چشیده همه‌ی تجاربی

۱۶۰ // دو ضمیمه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

را که در زندگانی خود اندوخته بودند در گفتارهای خود برای صلاح کار هم‌نوعان بازگو کرده تا از این راه در هدایت آنان به راست موفق‌تر باشد.

پایه‌ی تحصیلات و اطلاعات ناصر خسرو از آثار منظوم و منثور او به‌خوبی آشکار است. وی از ابتدای جوانی در تحصیل علوم و فنون رنج برده بود. قرآن را از حفظ داشت و در تمام دانش‌های متداول زمان خود از علوم معقول و منقول خاصه کلام و علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت و همین اطلاعات وسیع و وسیله‌ی ایجاد آثار متعدد او به زبان فارسی شد که غالباً در دست است. تحصیلات سعدی در نظامیه‌ی بغداد که شب و روز در تلقین تکرار بوده بر کسی پوشیده نیست. در شعر هر دو شاعر، اشتغال بر مواعظ و حکم بسیار است. هر دو شاعر دارای تخلص شاعرانند با این تفاوت که تخلص یکی جنبه‌ی دینی و دیگری درباری دارد

جنبه‌ی دینی در اشعار و احوال ناصر خسرو قوی‌تر از سعدی است به نحوی که انقلابی از درون وی برمی‌خیزد که از دربار گریزان می‌شود. در حالی که اگر بی‌طرفانه به امور بنگریم برخی به تعلیم علوم یونان و تأثیر آن بر شعر سعدی نظر دارند. مسایل مهم فلسفی که معمولاً مورد بحث و مناقشه بود در اشعار ناصر خسرو بیش‌تر است و ذهن علمی شاعر باعث شده است که او به شدت تحت تأثیر روش منطقیان در بیان مقاصد خود قرار گیرد. سخنان او با قیاسات و ادله‌ی منطقیه همراه و پر از استنتاج‌های عقلی است. به‌همین نسبت از هیجانات شاعرانه و خیالات باریک و دقیق شعرا چون سعدی خالی است. سعدی در عین وعظ و حکمت و هدایت خلق، شاعری شوخ و بذله‌گو و شیرین بیان است و در سخن جد و هزل خود آن قدر لطایف به کار می‌برد که خواننده خواه ناخواه مجذوب او می‌شود و دیگر او را رها نمی‌کند. اما هزل و شوخ‌گویی در شعر ناصر خسرو دیده نمی‌شود و او شاعری جدی است. سعدی در گفتار خود بسیاری از مثل‌های فارسی‌زبانان که از دیرباز رواج داشته، استفاده کرده آن‌ها را در نظم و نثر خود گنجانیده است و این سخنان موجز و پرمایه و پرمعنای او به صورت امثال سایر در میان مردم رایج شده است.

می‌دانیم که قصیده در شعر فارسی قالبی برای مدح و ستایش بوده است. و از این منظر دیوان شعرای متقدم سرشار از قصاید مدحی است. روزگار ناصر خسرو (غزنوی - سلجوقی) اوج قصیده مدحی فارسی است اما دیوان ناصر خسرو ازین نظر علی‌حده است وی «بر ضد رسمی کهن و جمعی کثیر برخاسته بود و در انتقاد از آنان داد سخن می‌داد». (یوسفی، ۱۳۷۸: ۲۴۸)

بررسی تأثیر وزن بر قالب و مبنای فکری... ۱۶۱۱۱۱

لذا او شاعران، فقیهان، دانشمندان و قاضیان که چاکران قدرت‌اند را سرزنش می‌کند به خصوص کسانی که ده میل در رکاب امیر پیاده می‌دوند، اما گامی چند برای بندگی خداوند بر نمی‌دارند: آنک او بدو ک پیش میرده میل هرگز نرود زی نماز ده گام (ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۳۳۴)

ناصر خسرو بر خلاف سعدی، شعر در وصف رخ چون مه و زلفک عنبری را نکوهش می‌کند: صفت چند گویی به شمشاد و لاله رخ چون مه و زلفک عنبری را؟ (همان، ۱۲۷)

او جز در ستایش رسول (ص) و خاندان آن حضرت، زبانش را خاموش می‌داند: چون طمع بریدم ز مال شاهان پس مدحت شاهان چرا سگالم؟ من جز به مدح رسول و آلش از گفتن اشعار گنگ و لالم (همان، ۳۶۵)

در دیوان ناصر خسرو، علاوه بر ستایش رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) به مدح هشتمین خلیفه فاطمی، المستنصر بالله، نیز پرداخته است. از نظر مدح خلیفه، سعدی و ناصر خسرو با هم همانندی‌هایی دارند سعدی از روی اعتقاد، در زوال دولت عباسی و مرگ المعتصم می‌گرید: آسمان را حق بود گر خون بگرید بر زمین بر زوال ملک مستعصم امیرالمومنین (سعدی، ۱۳۶۷: ۹۶۳)

البته وضعیت سعدی و ناصر کاملاً متفاوت است سعدی اگر از روی اعتقاد چنین گفته است، برای وی اعزاز و احترام در پی داشته است، چون همگان و همگنان با وی هم‌رأی بوده‌اند. اما ناصر خسرو در مکانی فاطمیان را ستایش کرده است که اتهام اثبات نشده جانب‌داری از فاطمیان مرگ در پی داشته است، تا چه رسد به ستایش علنی؛ از این منظر ستایش‌های ناصر خسرو که بدون چشم‌داشت صله و نان پاره‌ای بوده صرفاً برای پیش‌برد عقیده خود گفته قابل توجیه و شجاعت او قابل ستایش است و می‌توان گفت مدایح وی در میان شاعران پارسی‌گوی بی‌نظیر است (نک: همایی).

۲- ۱. روش تحقیق و مقایسه‌ی اشعار دو شاعر

در این پژوهش، اوزان اشعار دو شاعر از نظر اشتراک در وزن و بحر عروضی، با هم مقایسه شده بدین صورت که ابتدا هر یک از بحرهای شعر فارسی که توسط این دو شاعر استفاده شده استحصا کرده

ترتیب استخراج آنها، ابتدا بحرهای متفق الارکان سپس بحرهای مختلف الارکان خواهد بود. سعی شده است هر بحر ابتدا به صورت کامل مثنی و سپس با اعمال سایر زحافات آورده شود. در هر وزن مشترک بین غزلیات سعدی و قصاید ناصر خسرو، تعداد غزلیات و قصایدی که این او شاعر بر آن وزن دارند ذکر می‌شود تا گرایش هر شاعر بدان وزن مشخص شود.

اوزانی که به صورت اختصاصی از سوی سعدی و ناصر خسرو استفاده شده با ذکر تعداد غزل یا قصیده نیز لحاظ شده است. به خاطر ظرفیت محدود مقاله، از ذکر مطلع غزلیات سعدی و قصاید ناصر خسرو برای معرفی اوزان خودداری شده است. مبنای تحقیق کلیات سعدی تصحیح محمدعلی فروغی و دیوان اشعار ناصر خسرو قبادیانی تصحیح مجتبی مینوی است.

۲-۲. بحر رمل

از بحرهای پر کاربرد وزن مشترک قصاید سعدی و غزلیات ناصر خسرو در بحر رمل است به نحوی که ۹۷ غزل سعدی و ۴۸ قصیده ناصر خسرو بر اوزان مشترک این بحر سروده شده‌اند.

در بحر رمل، اوزان:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی محذوف) ۳۵ غزل سعدی، ۱۵ قصیده ناصر خسرو؛

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف) ۲۳ غزل سعدی و ۱۱ قصیده ناصر خسرو؛

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن / فاعلاتن (رمل مثنی مخبون / مسیغ) ۵ غزل سعدی و ۱ قصیده ناصر؛

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن / فعلات = فعلان (رمل مثنی مخبون محذوف / مشکول) ۲۸ غزل سعدی و

۸ قصیده ناصر خسرو؛

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی مخبون محذوف) ۶ غزل سعدی و ۳ قصیده ناصر خسرو به

خود اختصاص داده است.

اوزان ناهمگن دو شاعر در این بحر:

اوزان اختصاصی سعدی عبارتند از:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی سالم) ۲ غزل؛

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی مخبون اصلم) ۴۸ غزل؛

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس مخبون اصلم) ۵ غزل؛

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رمل مثنی مشکول) ۵ غزل؛

بررسی تأثیر وزن بر قالب و مبنای فکری... ۱۶۳۱۱۱

فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن / بحر رمل مثنی مشکول ۱۴ غزل؛
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن (رمل مثنی مخبون) ۵ غزل؛
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن / فع لان (رمل مثنی مخبون اصلم / مسیغ) ۱۰ غزل؛
فعلاتن فعلاتن فع لن (رمل مسدس مخبون محذوف) ۱ غزل؛
وزن اختصاصی ناصر خسرو در بحر رمل فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع (رمل مثنی مخبون مجحوف) ۱۰
قصیده است.

۲-۳. بحر هزج

بحر هزج پرکاربردترین وزن مشترک قصاید سعدی و غزلیات ناصر خسرو است به نحوی که ۱۲۹
غزل سعدی و ۶۸ قصیده ناصر خسرو بر اوزان مشترک این بحراند.
در بحر هزج، وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنی سالم) برای ۲۵ غزل سعدی و ۱۰
قصیده ناصر خسرو؛
مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیلن (هزج مسدس محذوف / مقصور) برای ۳۱ غزل سعدی و ۱۷ قصیده
ناصر خسرو؛
مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیلن (هزج مثنی اخرب مکفوف محذوف / مقصور) برای ۳۴ غزل
سعدی و ۱۶ قصیده ناصر خسرو؛
مفعول مفاعیلن مفاعیلن (هزج مسدس اخرب مقبوض)؛ برای ۹ غزل سعدی و ۱۳ قصیده ناصر خسرو؛
مفعول مفاعیلن فعولن / مفاعیلن (هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف / مقصور) در ۳۰ غزل سعدی و
۱۳ قصیده ناصر خسرو استعمال شده است.

اما، مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (هزج مثنی اخرب) تنها برای ۱۱ غزل سعدی و مفاعیلن مفاعیلن
مفاعیلن فقط برای ۱ قصیده ناصر خسرو در این دو منظومه مورد قیاس به کار رفته است.

۲-۴. بحر رجز

بحر رجز در غزلیات سعدی و قصاید ناصر خسرو به صورت مثنی سالم به کار رفته است با این تفاوت
که در غزلیات سعدی وزن ۱۲ غزل است اما در قصاید ناصر خسرو فقط برای ۱ قصیده استعمال شده
است.

علی‌رغم تأکید وحیدیان کامیار بر این که «ناصر خسرو که نه اهل وصال است و نه هجران و سرگرم افکار و معتقدات مذهبی و حکمی است در بیان این معنی - که با وزن‌های سنگین مطابقت دارد - از همین وزن رقص آور استفاده کرده است. (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۶۲) در تحقیقی که محمدحسین کرمی و محمد مرادی درباره‌ی وزن قصیده با عنوان «بررسی میزان تاثیر محتوای اشعار بر انتخاب وزن، در قصاید فارسی پیش از مغول» انجام داده‌اند نامی از وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» برای قصیده به میان نیامده است زیرا این وزن شاد است و دارای آهنگی تند و رقص آور است چنان که وحیدیان کامیار آن را از «اوزان تند و کوتاه برای مفاهیم شاد به ویژه مثنوی‌هایی که مضمون شاد دارند یا اشعار کودکان» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۷۴) دانسته است این وزن به قول نیمایوشیج تند و رقص آور است و هیچ مناسبتی با معانی پند و حکمت ندارد (همان، ۷۵) اما این وزن، پرکاربردترین وزن قصاید ناصر خسرو است و برای ۱۸ قصیده‌ی ناصر خسرو استعمال شده است. این وزن ۹ بار در غزلیات سعدی نیز به کار رفته است و تقریباً جز اوزان کم کاربرد سعدی است.

ای عجب ار دشمن من خود منم خیره گله چون کنم از دشمنم
(سعدی، ۱۳۷۵: ۲۷۹)

مفتعلن مفتعلن فاعلن (رجز مسدس مطوی مرفوع) که قابل تخریج به بحر (سریع مطوی مکشوف) نیز می‌باشد البته اگر رکن سوم فاعلات (مطوی موقوف مفعولات) باشد دیگر قابل استخراج از بحر هزج نیست و بحر سریع خواهد بود (نک: شمیسا، ۱۳۷۰) و از همین بحر، وزن مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن (رجز مثنی مطوی مخبون) که محمدجعفر محجوب آن تنها ۱۶ بار در غزلیات سعدی، به عنوان پنجمین وزن پر کاربرد اختصاصی سعدی ملحوظ افتاده در قصاید ناصر خسرو به کار رفته است.

۲-۵. بحر متقارب

این بحر تنها به صورت فعولن فعولن فعولن فعل / فعول متقارب مثنی محذوف / مقصور در هر دو اثر، سعدی ۳ بار و ناصر خسرو ۱۱ بار به کار رفته است.

صورت مثنی سالم آن تنها از سوی ناصر خسرو معمول بوده است: فعولن فعولن فعولن فعولن (متقارب مثنی سالم) ۱۵ قصیده؛

۲-۶. بحر خفیف

از بحر خفیف وزن؛ فاعلاتن مفاعلهن فعلات (خفیف مسدس مخبون مقصور)، ۱۱ بار در غزلیات سعدی و وزن ۱۲ قصیده‌ی ناصر خسرو را تشکیل می‌دهد.

در بحر خفیف، اوزان فاعلاتن مفاعلهن فع لان (خفیف مسدس مخبون اصلم مسبغ) ۲۲ غزل، فاعلاتن مفاعلهن فعلن / (خفیف مسدس مخبون اصلم) اغزل و فاعلاتن مفاعلهن فعلن / (خفیف مسدس مخبون) ۲ غزل فقط از سوی سعدی به کار گرفته شده‌اند.

۲-۷. بحر منسرح

در این بحر، مفتعلن فاعلات مفتعلن فع / فاع (منسرح مثنی مطوی منحور / مجدوع) در غزلیات سعدی ۱۰ بار و قصاید ناصر خسرو ۱۲ بار استعمال شده است.

وزن مفتعلن فاعلهن (فاعلات) مفتعلن فاعلهن (فاعلات) بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف (موقوف) با ۱۸ بسامد فقط از آن سعدی است.

وزن مفتعلن فاعلات مفتعلن (منسرح مسدس مطوی) با ۶ بار تکرار مختص ناصر خسرو است.

۲-۸. بحر بسیط

این بحر فقط یک بار در غزلیات سعدی آمده است.

مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن (بسیط مخبون)

(غزل شماره ۵۴۸) دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری

۲-۹. بحر مجتث

علی‌رغم این که در بحر مجتث؛ مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن «پرکاربردترین وزن شعر فارسی است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۴۶) این وزن تنها در ۱۴ قصیده ناصر خسرو به کار رفته؛ ششمین وزن پرکاربرد ناصر خسرو است و سعدی در ۲۳ غزل آن را استعمال نموده، هشتمین وزن پرکاربرد سعدی است.

صورت اصلم این بحر (مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن) ۸۶ بار در غزلیات سعدی استعمال شده

ناصر خسرو آن را به کار نبرده است این وزن، پرکاربردترین وزن اختصاصی غزلیات سعدی است.

همچنین وزن مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلاتن (مجتث مثنی مخبون) تنها ۱۳ بار در غزلیات سعدی

معمول است.

۲- ۱۰. بحر مضارع وزن

بحر مضارع سومین بحر پر کاربرد مشترک بین دو شاعر است. وزن ۸۳ غزل سعدی و ۲۰ قصیده ناصر خسرو بر این بحر است. در میان اوزان بحر مضارع، مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف / مقصور)، نائل خانلری این وزن را در دایره‌ی اوزان متوسط ثقیل قرار داده است. (تجلیل، ۱۳۸۷: ۱۵۴) برخی معتقدند این وزن در قصاید اندوهگنانه پر کاربردترین وزن محسوب می‌شود... و از سده‌ی چهارم هرچه به سده‌ی هفتم نزدیک می‌شویم، این وزن کاربرد عمده‌ی غم‌انگیز می‌گردد. (شعاعی و مرادی، ۱۳۹۵: ۲۴) وحیدیان کامیار نیز آن را از اوزان نرم و سنگین در معانیی مانند مرثیه، هجران، درد و حسرت و گله (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۷۳) می‌داند اما این وزن، ۶۲ غزل سعدی یعنی بیش‌ترین تعداد غزلیات سعدی به خود اختصاص داده است. این وزن دومین وزن پر کاربرد قصاید ناصر خسرو نیز هست و در ۱۷ قصیده به کار رفته است و در شعر این دو شاعر جز اوزان پر کاربرد است و استعمال بالای آن در شعر سعدی فضای قضاوت را تغییر می‌دهد.

وزن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مضارع مثنی اُخرب) در غزلیات سعدی ۲۱ بار و در قصاید ناصر خسرو ۳ بار آمده است:

در این بحر، مفعول فاعلاتن مفاعیلن برای وزن ۱۶ قصیده و مفعول فاعلاتن مفاعیلن فع برای وزن ۲ قصیده ناصر خسرو به کار رفته است

۲- ۱۱. بحر قریب

این بحر فقط در ۱ وزن برای قصاید ناصر خسرو به کار رفته است

مفعول مفاعیل فاعلاتن / فاعلاتن (قریب مسدس اُخرب مکفوف / مسبغ) قصیده ۱۱

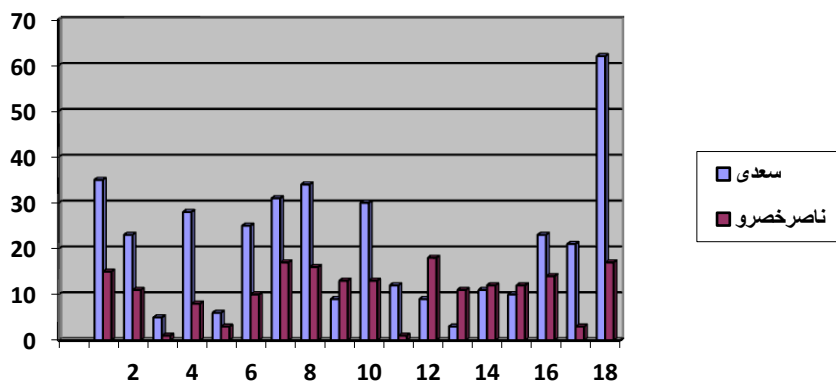
۳. تحلیل اوزان و نتیجه‌گیری

با بررسی اوزان دو شاعر که به صورت آماری در جدول‌های زیر رسم شده تعداد غزلیات بررسی شده‌ی سعدی بر اساس تصحیح محمدعلی فروغی ۶۳۷ غزل است و تعداد قصاید بررسی شده ناصر خسرو بر اساس تصحیح مجتبی مینوی ۲۴۱ قصیده است یعنی غزلیات سعدی بیش از ۲,۵ برابر (۲,۶۳) قصاید ناصر خسرو است این تناسب در اوزان مورد استفاده دو شاعر — به استثنای وزن: مستفعّلن مستفعّلن مستفعّلن ۱۲ غزل سعدی ۱ قصیده ناصر خسرو؛ مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن ۲۱ غزل سعدی ۳ قصیده ناصر خسرو و مفعول مفاعیلن ۹ غزل سعدی و ۱۳ قصیده در

بررسی تأثیر وزن بر قالب و مبنای فکری... ۱۶۷۱۱۱

ناصرخسرو؛ فعولن فعولن فعولن فعل ۳ غزل سعدی ۱۱ قصیده ناصرخسرو، وجود دارد البته دو وزن: فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن ۱۱ غزل سعدی و ۱۲ قصیده ناصرخسرو و مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع / فاع ۱۰ غزل سعدی و ۱۲ قصیده ناصرخسرو تقریباً به صورت برابر از سوی دو شاعر به کار رفته است. از مجموع ۶۳۷ وزن غزل سعدی ۳۷۷ وزن با اوزان مورد استفاده ناصرخسرو مشترک است و از مجموع ۲۴۱ قصیده ناصرخسرو ۱۹۵ قصیده به اوزانی سروده شده که سعدی در غزلیاتش از آنها استفاده کرده است. در سروده‌های این دو شاعر ۱۸ وزن مشترک وجود دارد.

نمودار شماره (۱)



جدول شماره (۱)

ردیف	وزن بحر	تعداد غزلیات سعدی	تعداد قصاید ناصرخسرو
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی محذوف)	۳۵	۱۵
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف)	۲۳	۱۱
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن / فاعلاتن (رمل مثنی مخبون / مسیغ)	۵	۱
۴	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعولن / فاعلاتن = فعولن (رمل مثنی مخبون محذوف / مشکول)	۲۸	۸
۵	فاعلاتن فاعلاتن فعولن (رمل مثنی مخبون محذوف)	۶	۳
۶	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنی سالم)	۲۵	۱۰
۷	مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیلن (هزج مسدس محذوف / مقصور)	۳۱	۱۷
۸	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیلن (هزج مثنی مخرب مکفوف محذوف /)	۳۴	۱۶

			مقصور)
۹	۹	مفعول مفاعیلین (هزج مسدس اِخرب مقبوض)	۱۳
۱۰	۳۰	مفعول مفاعیلین / مفاعیل (هزج مسدس اِخرب مقبوض محذوف / مقصور)	۱۳
۱۱	۱۲	مستفعلن مستفعلن مستفعلن (رجز مثنیٰ سالم)	۱
۱۲	۹	مفتعلن مفتعلن فاعلن (رجز مسدس مطوی مرفوع) (سریع مطوی مکشوف)	۱۸
۱۳	۳	فعلولن فعلولن فعل / فعل (مقارب مثنیٰ محذوف / مقصور)	۱۱
۱۴	۱۱	فاعلاتن مفاعیلین فاعلات (خفیف مسدس مخبون مقصور)	۱۲
۱۵	۱۰	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع / فاع (منسرح مثنیٰ مطوی منحور / مجدوع)	۱۲
۱۶	۲۳	مفاعیلین فاعلاتن مفاعیلین فاعلن / فاعلان (مجث مثنیٰ مخبون محذوف / مقصور)	۱۴
۱۷	۲۱	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مضارع مثنیٰ اِخرب)	۳
۱۸	۶۲	مفعول فاعلاتن مفاعیلین فاعلن / فاعلات (مضارع مثنیٰ اِخرب مکفوف محذوف / مقصور)	۱۷

۲۵۷ غزل از غزلیات سعدی بر اوزانی هستند که مورد استفاده ناصر خسرو نبوده است و ۴۶ قصیده ناصر خسرو دارای اوزانی است که مورد استفاده سعدی نیست یعنی اوزان خاص سعدی ۵ برابر اوزان ناصر خسرو است اما مجموع اوزان مختص سعدی ۱۷ و مجموع اوزان مختص ناصر خسرو ۶ وزن است رقم (۲،۶۳) رعایت نسبت غزلیات سعدی به قصاید ناصر خسرو دیده می‌شود. (ر. ک. جدول شماره ۲ و ۳)

جدول شماره (۲)

ردیف	وزن بحر	قصاید ناصر خسرو
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع (رمل مثنیٰ مخبون مجحوف)	۱۰
۲	مفاعیلین مفاعیلین مفاعیلین (هزج مسدس سالم)	۱
۳	مفتعلن فاعلات مفتعلن (منسرح مسدس مطوی)	۶
۴	مفعول فاعلات مفاعیلین (مضارع مسدس اِخرب مکفوف)	۱۶
۵	مفعول فاعلات مفاعیلین فع (مضارع مثنیٰ اِخرب مکفوف مجحوف)	۲
۶	مفعول مفاعیلین فاعلاتن / فاعلاتان (قریب مسدس اِخرب مکفوف / مسیغ)	۱۱

جدول شماره (۳)

ردیف	وزن و بحر	غزلیات سعدی
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رمل مثنی سالم)	۲
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (رمل مثنی مخبون اصلم)	۴۸
۳	فاعلاتن فاعلاتن فعلن (رمل مسدس مخبون اصلم)	۵
۴	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رمل مثنی مشکول)	۵
۵	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن (بحر رمل مثنی مشکول)	۱۴
۶	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رمل مثنی مخبون)	۵
۷	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن / فعلان (رمل مثنی مخبون اصلم / مسیغ)	۱۰
۸	فاعلاتن فاعلاتن فعلن (رمل مسدس مخبون محذوف)	۱
۹	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (هزج مثنی اخرب)	۱۱
۱۰	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن (رجز مثنی مطوی مخبون)	۱۶
۱۱	فاعلاتن مفاعیلن فعلان (خفیف مسدس مخبون اصلم مسیغ)	۲۲
۱۲	فاعلاتن مفاعیلن فعلن / (خفیف مسدس مخبون اصلم)	۱
۱۳	فاعلاتن مفاعیلن فعلن / (خفیف مسدس مخبون)	۲
۱۴	مفتعلن فاعیلن (فاعلات) مفتعلن فاعیلن (فاعلات) بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف (موقوف)	۱۸
۱۵	مستعلن فعلن مستعلن فعلن (بسیط مخبون)	۱
۱۶	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن (مجث مثنی مخبون محذوف)	۸۶
۱۷	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن (مجث مثنی مخبون)	۱۳

نکته‌ی شگفتی‌ساز این پژوهش استعمال ۸۶ بار وزن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن (مجث مثنی مخبون محذوف) در غزلیات سعدی است که تقریباً ۱۴ درصد (۱۳/۶۶) کل اوزان سعدی را تشکیل می‌دهد و ناصر خسرو آن را به کار نبرده است. البته چنان‌که ذکر شد، می‌توان مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن (مجث مثنی مخبون محذوف) را با مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن / فعلان (مجث مثنی مخبون محذوف / مقصور) ۲۳ بار در غزلیات سعدی و ۱۴ بار در قصاید ناصر خسرو استعمال شده یکی دانست زیرا بسیاری از بزرگان علم عروض محذوف و مقصور را یکی دانسته‌اند

۱۱۷۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

اگر اوزان این دو شاعر با اوزان غزلیات حافظ، به عنوان یکی از روان‌ترین غزلیات فارسی، بسنجیم پرکاربردترین وزن شعر حافظ، فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا (رمل مثنی‌مخبون محذوف) است که ۶ غزل سعدی و ۳ قصیده ناصر خسرو به خود اختصاص داده است اما وزن مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلا (مجتث مثنی‌مخبون محذوف) تقریباً به اندازه‌ی وزن اول در دیوان حافظ به کار رفته است این وزن ۲۳ بار در غزلیات سعدی و ۱۴ بار در قصاید ناصر خسرو استعمال شده است. دو وزن فوق حدود نیمی از غزلیات حافظ را تشکیل می‌دهد اما در مجموع کمتر از ۷ درصد اوزان سعدی و ناصر خسرو شامی می‌شود.

از آنجا که «وزن چیزی از خارج تحمیل شده به شعر نیست، همزاد و پیکره روحانی و جسمانی شعر است، شکل بروز و کالبد معنوی شعر است وزن، فصل ذاتی شعراست.» (کاخچی، ۱۳۸۲: ۷۲) پس می‌توان چنین نتیجه گرفت وزن ارتباط چندانی به قالب و محتوای غزل و قصیده در شعر دو شاعر ندارد و می‌توان با بررسی اشعار شاعران دیگر - حافظ در این پژوهش - آن را به صورت یک اصل کلی به دیگر آثار نیز تعمیم داد.

پی نوشت

۱ - مطلع غزل ۱۲۲ و ۱۲۳ « در من این هست که صبرم ز نکورویان نیست» مشترک است اما سایر مصرع‌ها و بیت‌های این دو غزل متفاوت است.

بررسی تأثیر وزن بر قالب و مبانی فکری... ۱۷۱۱۱۱

کتابشناسی

- تجلیل، جلیل. (۱۳۸۷). **عروض و قافیه**، تهران، انتشارات سپهر کهن، چاپ اول.
- سعدی، شیخ مصلح الدین. (۱۳۷۴). **کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی**، تهران نشر محمد، چاپ نهم.
- شاه حسینی، ناصرالدین. (۱۳۸۵). **شناخت شعر**، تهران، نشر هما، چاپ پنجم.
- شعاعی، مالک. (۱۳۹۲). **عروض و قافیه در شعر فارسی**، ایلام، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، چاپ اول.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). **فرهنگ عروضی**، تهران، انتشارات فردوس، چاپ دوم.
- قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۸۰). **دیوان اشعار**، به اهتمام سید نصرالله تقوی، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات معین، چاپ دوم.
- کاخی، مرتضی. (۱۳۸۲). **صدای حیرت بیدار، گفت و گویای اخوان ثالث**، تهران، انتشارات زمستان، چاپ دوم.
- همایی، جلال‌الدین، **تاریخ ادبیات ایران**، تهران، کتاب فروشی فروغی، چاپ سوم.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۵). **قافیه و عروض دوره‌ی متوسطه**، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوازدهم.
- همو. (۱۳۸۶). **وزن و قافیه‌ی شعر فارسی**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۸). **برگ‌هایی در آغوش باد**، تهران، انتشارات علمی، چاپ سوم.